

تحلیل گفتمان قدرت و ایدئولوژی در دو نامه از اسکندرنامه نظامی بر اساس روش فرکلاف

چکیده

بافت فکری و اجتماعی ایران و مشخصاً آذربایجان قرن ششم در *اسکندرنامه* نظامی تبلور یافته است. برای شناخت گفتمان‌های رایج در این عصر، می‌توان از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف استفاده نمود. فرکلاف ضمن تأکید بر رابطه درهم‌تنیده متن، تعامل و بافت اجتماعی، از اهمیت نقش نهاد قدرت در تولید، اصلاح و بازتولید گفتمان‌ها با کمک ایدئولوژی سخن می‌گوید. بر پایه روش فرکلاف، یک متن در سه لایه توصیف و تفسیر و تبیین بررسی می‌شود. در این پژوهش با مطالعه اسکندرنامه نظامی، دو نامه دارا و اسکندر پیش از شروع جنگ، تحلیل شده است و در طی آن با بررسی عبارت‌بندی دگرسان، عبارت‌بندی افراطی، شمول معنایی، تضاد معنایی، عاملیت جمله، فرآیند اسم‌سازی، مجهول‌سازی، مثبت و منفی بودن جمله و پیوند جملات در سطح توصیف؛ بافت موقعیت، بافت بینامتنی در سطح تفسیر و بررسی داده‌های برآمده از دو سطح قبلی در سطح تبیین وجود سه گفتمان خویشاوندی، دینداری و نظامی‌گری برای تصاحب قدرت سیاسی در قرن ششم آشکار گشت. نظامی دو گفتمان دین‌داری و گفتمان نظامی‌گری برای تصاحب قدرت را تقویت می‌کند و گفتمان خویشاوندی را به چالش می‌کشد. همچنین او ایدئولوژی بیگانه دوستی که نقطه مقابل ایدئولوژی بیگانه‌ستیزی است را تقویت می‌کند. در حیطه نهاد دین، سه گفتمان دین‌داری اسلامی، گفتمان اشعری و گفتمان فلسفه‌گرایی در *اسکندرنامه* تجلی یافته است. برخورد نظامی با گفتمان دین‌داری اسلامی هنجاری است اما با ترکیب و اصلاح دو گفتمان اشعری و فلسفه‌گرایی در حال بازتولید نوعی دیگر از گفتمان مبتنی بر خردگرایی است.

کلمات کلیدی

اسکندرنامه نظامی، ایدئولوژی، تحلیل گفتمان انتقادی، فرکلاف، قدرت، قرن ششم هجری، گفتمان

(۱) مقدمه

تحلیل گفتمان انتقادی (Critical Discourse Analysis)، رویکردی نوین در بررسی و تحلیل متون زبانی و از زیرشاخه‌های تحلیل گفتمان (Discourse Analysis) است. این رویکرد که حاصل ترکیب دو دانش جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی است، به دنبال دیدگاه‌های میشل فوکو به مسأله زبان و قدرت و نیز تأسیس

شاخه زبان‌شناسی انتقادی توسط راجر فاولر ایجاد شد و گسترش یافت. دو عنصر «زبان» و «جامعه» در این رویکرد اهمیت به‌سزا دارد: «گفتمان‌شناسی انتقادی، رویکردی میان رشته‌ای به کاربرد زبان است که هدفش بهتر کردن درک ما از چگونگی شکل‌گیری گفتمان در فرآیندهای اجتماعی، ساختارهای اجتماعی و تغییر اجتماعی است.» (فلاوردو و دیگران، ۱۳۹۷: ۱) این رویکرد همچون مکاتب ساختارگرایی و پساساختارگرایی با این پیش‌فرض اساسی آغاز می‌شود که دسترسی ما به واقعیت همواره از طریق زبان است و زبان در برساختن واقعیت نقش دارد. (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۹) به عبارت دیگر تحلیل گفتمان انتقادی در پی یافتن ساز و کارهای اجتماعی پنهان در زبان است. تحلیل گفتمان انتقادی خود به زیرشاخه‌های متنوعی تقسیم می‌شود که از میان آنها می‌توان به رویکرد نورمن فرکلاف (Norman Fairclough) اشاره کرد.

فرکلاف در مبانی نظری دیدگاه خود، بیش از هر چیز به مفهوم ایدئولوژی (Ideology) و قدرت (Power) تکیه دارد. در تحلیل گفتمان انتقادی، همه متون دارای بار ایدئولوژیک هستند و بسیاری از گفتمان‌ها با ایدئولوژی معنا می‌یابند. تحلیلگران گفتمان انتقادی معتقدند نهاد سلطه برای حفظ و استقرار خود و اعمال قدرت در جامعه با استفاده از ابزار ایدئولوژی، باور متعارف یا عقل سلیم (Common Sense) ایجاد می‌کند. به این ترتیب در این نظریه، قدرت و ایدئولوژی، جفت و همزاد یکدیگر هستند زیرا «ایدئولوژی به مثابه ابزاری توجیه‌کننده با مشروعیت بخشی به روابط سلطه، درصدد پایدار نگه داشتن تضادها و نابرابری‌های اجتماعی برمی‌آید.» (قهرمانی، ۱۳۹۳: ۶۱) فرکلاف برای تحلیل متن بر اساس روش انتقادی آن را سه لایه توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می‌کند.

اسکندرنامه نظامی، پنجمین و آخرین منظومه از شاعر پرآوازه گنجه است که به شرح زندگی، کشورگشایی‌ها و ویژگی‌های اخلاقی اسکندر مقدونی در مقام یک انسان آرمانی می‌پردازد. *اسکندرنامه* خود به دو منظومه *شرف‌نامه* و *اقبال‌نامه* تقسیم می‌شود و مجموعاً مشتمل بر ده هزار و پانصد بیت در بحر متقارب مثنی‌مقصور است. نظامی هفت‌پیکر را در سال ۵۹۳ هجری قمری سرود و پس از آن معلوم نیست به فاصله چند سال *شرف‌نامه* سروده شده است. او *شرف‌نامه* را به نام ملک نصره الدین ابوبکر سلجوقی فرزند اتابک محمد جهان پهلوان و *اقبال‌نامه* را به نام عزالدین مسعود بن ارسلان منظوم نمود.

در سال‌های اخیر پژوهشگران زیادی با کمک رویکرد انتقادی فرکلاف، آثار کلاسیک و مدرن ادبی فارسی را بررسی و تحلیل کرده‌اند. از میان این آثار، موضوع چند مقاله و پایان‌نامه تحلیل گفتمان انتقادی آثار نظامی است. زهرا امینی شلمزاری (۱۴۰۰) در پایان‌نامه‌اش با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی زبان حماسی، غنایی و عرفانی در منظومه‌های نظامی» همه آثار نظامی از جمله *اسکندرنامه* را بر پایه نظریه فرکلاف تحلیل کرد. بر اساس این پایان‌نامه، امینی و همکاران (۱۴۰۲) چهار مقاله با موضوع تحلیل گفتمان انتقادی آثار نظامی نوشتند. از این میان مقاله «مقایسه گفتمان ارسطو، افلاطون و سقراط در اقبال‌نامه بر اساس رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف» کاربرد روش فرکلاف را در *اسکندرنامه* دنبال کرده است. تفاوت پژوهش حاضر با پایان‌نامه زهرا امینی، در نگاه جزئی‌تر و دقیق‌تر آن به وجود برخی گفتمان‌های رایج عصر نظامی و چگونگی انعکاس آن در قسمتی از *اسکندرنامه* است. نعمت‌الله ایران‌زاده و سجاد منیعی (۱۴۰۱) هم در مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی مؤلفه‌های گفتمان مدحی نظامی گنجوی در دیباچه اقبال‌نامه، بر بنیاد نظریه فرکلاف» قسمتی از *اقبال‌نامه* را با محوریت شاعر مداح و ممدوح، براساس روش فرکلاف بررسی کرده‌اند. در مقاله پیش رو، شرف‌نامه نظامی بررسی شده است و پژوهشگران به موضوعات گسترده‌تری درباره زمانه نظامی توجه نموده‌اند.

۲,۱) روش تحقیق

این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی است؛ به این صورت که ابتدا منابع مهم فارسی و انگلیسی درباره تحلیل گفتمان انتقادی و نیز کتاب‌ها و مقالات فارسی درباره تاریخ عصر نظامی مطالعه و فیش‌برداری شد؛ سپس قسمتی از *اسکندرنامه* نظامی برای تحلیل انتخاب گردید. متن منتخب، دو نامه از *شرف‌نامه* است. در منظومه *شرف‌نامه*، نظامی با سرودن ۱۶۹۳ بیت، موضوع رویارویی اسکندر با دارا، شکست دادن او و نشستن اسکندر بر تخت پادشاهی ایران را بیان می‌کند. علت این رویارویی و تقابل، خراج خواستن دارا، پادشاه مقتدر از اسکندر، شاه تازه مقدونی است.^(۱) پیش از شروع جنگ، ابتدا دارا، نامه‌ای در ۶۴ بیت به اسکندر می‌نویسد و سپس اسکندر جواب نامه دارا را با نامه دیگر در ۸۵ بیت می‌دهد. این دو نامه، پیش از شروع جنگ، عرصه رویارویی بر سر قدرت میان این دو شخصیت تاریخی است. نزاعی که بیش از آن‌که حقیقتی تاریخی داشته باشد، بیانگر گفتمان‌های رایج درباره قدرت و ایدئولوژی در عصر نظامی است. بررسی این دو